

## Jurisprudential study of the characteristics of prostitution and overthrow

Received: 2021-08-08

Accepted: 2021-09-29

Saeed Ziaefar \*

The aim of the present study is to study the jurisprudential characteristics of prostitution and subversion, which was addressed using a descriptive-analytical method. The results showed that the main characteristics of prostitution are as follows: What is in the minds and consciences of individuals and is not clothed in the guise of external fulfillment cannot be considered as prostitution and subversive practice. An activity is considered to be in conflict with the system or the ruler, not a neutral and irrelevant activity. It is a violent and warlike act, and peaceful opposition cannot be called an outrage. Violence is a continuation of a specific malice (intent to overthrow or weaken).



Vol 24, No. 95, Autumn 2021

**Keywords:** Prostitution, Crime, Violence, Malice, War.

---

\* Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.  
(Ziyaei.saeid@isca.ac.ir)

## بررسی فقهی شاخص‌های بغی و براندازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۷/۴

سعید ضیائی فر\*

هدف پژوهش حاضر بررسی فقهی شاخص‌های بغی و براندازی است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به آن پرداخته شد. پرسش مهم موضوع حکم قرار گرفتن بغی مطرح در قرآن و روایات است که چه شاخص‌هایی دارد و قلمرو آن کجاست؟ نتایج نشان داد که شاخص‌های اصلی بغی بدین قرار است: فعالیت جوارحی است؛ آنچه در ذهن و ضمیر افراد بوده و به گونه‌ای لباس تحقق خارجی نپوشیده است را نمی‌توان بغی و عملی براندازانه به حساب آورد. فعالیت در تضاد با نظام یا زمامدار به حساب می‌آید، نه فعالیت خنثی و بی‌ارتباط. عملی خشونت‌بار و جنگی است و مخالفت‌های مسالمت‌آمیز را نمی‌توان بغی خواند. خشونت ادامه‌داری است که با سوءنیت خاص (قصد براندازی و یا تضعیف) انجام می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** بغی، عمل جوارحی، خشونت، سوءنیت، جنگ.

انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی بدون حکومت ممکن نیست و اختلاف نظرها در اداره جامعه، که حکومت عهده‌دار آن است، امکان پیامدهای پرهزینه و اسفباری خواهد داشت. از یک سو، نگاهی گذرا به اقدامات حاکمان و نظام‌های حکومتی در زمان گذشته و حال نشان می‌دهد که بیشتر آنان عملکرد رضایت‌بخشی در برخورد با مخالفان نداشته و حقوق آنان را تضییع کرده‌اند؛ برخی حاکمان به محض ابراز مخالفت‌ها در متهم کردن مخالفان خویش به عنوان برانداز، باغی و ... هیچ تردیدی نداشته‌اند. از سوی دیگر، در تاریخ به موارد کمتری برمی‌خوریم که مخالفان در حق حاکمان ظلم کرده باشند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۳۲، ص. ۶۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج. ۱، ص. ۳۱۰؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج. ۲، ص. ۱۵۸). از این رو برای رعایت عدالت و انصاف در حقوق کیفری و جزایی باید با مشخص نمودن شاخص‌های بغی و براندازی، مخالفان برانداز را کیفر کرد؛ در مقابل، مخالفان قانونی ضمن برخورداری از امنیت و آرامش در حق آنان ظلمی نشود. گرچه بسیاری از ظلم‌ها در اثر غلبه رذائل اخلاقی‌ای نظیر ریاست‌طلبی، ددمنشی، شهوت‌پرستی، مال‌دوستی، کینه‌توزی و امثال آن اتفاق می‌افتد که ابعاد عملی دارند، ولی نمی‌توان از نقش ابعاد نظری آن غافل شد. بدون تردید یک عامل مهم در این باره روشن نشدن حدود حقوق طرفین است. این که گروهی به براندازی نظام مشروع اقدام کند مرتکب بغی شده‌اند، به طور اجمالی مورد اتفاق است (صادقی، ۱۳۹۲، ص. ۷۰)؛ ولی پرسش مهم موضوع حکم قرارگرفتن بغی مطرح در قرآن و روایات است که چه شاخص‌هایی دارد و قلمرو آن کجاست؟ چرا که مخالفت با یک چیز، امر تشکیکی و دارای مراتبی است که از مرتبه خفیف تا مرتبه شدید - بغی - امتداد دارد.

این امر تشکیکی دارای طیفی از مراتب حداقلی و حداکثری است که دو طرف طیف مصادیق روشنی دارد؛ مثلاً اعلام مخالفت و انتقاد جزئی بغی به معنای مصطلح به حساب نمی‌آید، اما اقدام مسلحانه به قصد براندازی، مصداق بغی به معنای مصطلح است. در این میان تا شاخص‌های دقیق سلسله مراتب بغی ارائه نشود، اختلاف نظر درباره آن وجود دارد؛ چه بسا بسیاری از مرتکبان آن را بغی ندانند ولی صاحبان اقتدار سیاسی آن را بغی به شمار می‌آورند. از این رو باید شاخص‌های بغی روشن شود تا بهتر بتوان درباره مصادیق مورد اختلاف داوری روشنی داشت. مدعای این مقاله این است که بغی مطرح در قرآن و روایات که موضوع حکم قرار گرفته است، شاخص‌هایی دارد که با محدودشدن در



قلمرو خاصی، بر بسیاری از مخالفت‌ها صدق نمی‌کند؛ باید دید آیا عنوان شرعی دیگری بر آن‌ها صدق می‌کند یا ذیل عنوانی قانونی جرم تلقی می‌شود؟ بدون انطباق شاخص‌ها بر آن‌ها، نه حرام شرعی خواهد بود و نه جرم قانونی و نمی‌توان ادعای بغی کرد. در کتاب‌های فقهی شرایط حکمی‌ای برای وجوب جنگ با اهل بغی ذکر شده‌است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۷، ص. ۲۶۲؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج. ۲۱، ص. ۳۲۲) که ما درصدد بررسی آن نیستیم، بلکه درصددیم تا شاخص‌های بغی - که موضوع حکم وجوب قتال است - را تبیین کنیم. از این‌رو این پرسش اصلی مطرح می‌شود که چه مواردی را می‌توان به‌عنوان شاخص‌های بغی مطرح نمود؟ پاسخ این است موضوع بغی در جایی است که همه شاخص‌هایی که ذکر می‌کنیم جمع باشد.

بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که شاخص‌های بغی تاکنون مورد بررسی موشکافانه قرار نگرفته‌است؛ از این‌رو این پژوهش جدیدی محسوب می‌شود که در تلاش است به تعریفی از شاخص‌های بغی برسد. البته در برخی کتاب‌های رایج فقهی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۷، ص. ۲۶۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۵، ص. ۱۸۴) و برخی آثار معاصر از حکم و برخی زوایای موضوع بغی بحث شده‌است (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج. ۳، ص. ۲۸۲؛ پورحسین، ۱۳۹۱، ص. ۴۰)، ولی اولاً بحث از شاخص‌های موضوع کامل نیست؛ ثانیاً در این مقاله، قلمرو موضوع مضیق، ولی بسیاری آن را گسترده دانسته‌اند. ثالثاً برخی از آن‌ها از شرایط حکم است نه شاخص‌های موضوع. در این مقاله درصدد آنیم تا از زاویه شاخص‌های موضوع بغی، مسئله را دقیق و مستوفای بررسی نماییم.

## ۲- شاخص‌های بغی

بغی در لغت به معنای ظلم (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج. ۱، ص. ۱۸۱)، تجاوز از حد (ابن منظور انصاری، ۱۴۰۸ق، ج. ۱، ص. ۴۵۷)، عدول از حق (فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق، ج. ۴، ص. ۳۴۶)، طلب تجاوز از حد وسط و میانه‌روی (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص. ۵۵) به کار رفته‌است؛ در اصطلاح فقهی اجمالاً می‌توان آن را شورش بر ضد حکومت مشروع تعریف کرد (حلی، ۱۴۲۴ق، ج. ۱، ص. ۳۱۲؛ کاشف‌الغطا، ۱۳۸۱، ج. ۱، ص. ۵۶۶؛ مشکینی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۱) و براندازی را به معنای انهدام یا سرنگونی نظام سیاسی مستقر از طریق غیرقانونی با توسل به زور دانسته‌اند (آقابابایی، ۱۳۸۷، ص. ۲۸). در نتیجه، از این جهت براندازی اعم از بغی است؛ ولی چپستی شاخص‌های آن نیازمند بررسی تفصیلی است.

برخی عناصر بغی را چنین برشمرده‌اند: الف) وجود حکومت عدل اسلامی؛ ب) خروج



یک یا گروهی از مسلمانان از طاعت وی؛ ج) سیاسی بودن هدف خروج کنندگان، پس با این تعریف، قطاع الطریق را باغی نمی‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج. ۲، ص. ۸۰۴). در این بیان، نه همه شاخص‌های باغی آمده‌است نه همه آنچه به‌عنوان عناصر باغی برشمرده شده‌است را می‌توان از شاخص‌های باغی به‌حساب آورد، لذا این تعریف، جامعیت و مانعیت ندارد؛ مهم‌تر این که فاقد استدلال و تحلیل است. از این‌رو در مقاله تلاش می‌کنیم شاخص‌های باغی را با استفاده از کتاب، سنت و عقل و بررسی مدلل آن و با استفاده از دیدگاه فقیهان استخراج نماییم.

## ۲-۱) شاخص اول: ارتکاب عمل جوارحی

یکی از شاخص‌های باغی، ابراز مخالفت در قالب عمل جوارحی است. عمل انسان یا در ساحت ذهن و ضمیر اوست (عمل جوارحی) یا با یکی از اعضای ظاهری مانند دست، پا و زبان در ساحت رفتار و گفتار ظهور پیدا می‌کند (عمل جوارحی). عمل جوارحی را نمی‌توان باغی به‌حساب آورد؛ هرگونه مخالفتی تا در ذهن و ضمیر افراد است و بروزی در رفتار و گفتار ندارد، از شاخص‌های باغی محسوب نمی‌شود. مثلاً اگر کسی اعتقاد دارد زمامداری باید ساقط شود، تا زمانی که گفتار یا رفتاری را در جهت سقوط انجام نداده‌است نمی‌توان باغی دانست. در صورت انجام کاری یا دستور به دیگری مقدماتی را فراهم نماید که به امکان سقوط بینجامد، بر این گفتار به شرط داشتن شاخص‌های بعدی، باغی صدق می‌کند، ولی بدون گفتار یا انجام رفتاری نمی‌توان آن را باغی به‌حساب آورد. بر این اساس به‌صرف تصمیم براندازی بدون هیچ دستور یا اقدام جوارحی، باغی صدق نمی‌کند، همان‌گونه که بر ترک فعل نیز نمی‌توان صدق باغی کرد.

از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که افکار و دیدگاه‌ها هر قدر که منفی باشند تا به‌شکل عمل خارجی ظهور نیابند، شامل باغی نمی‌شوند و طبعاً حکم آن را نخواهد داشت و کسی را تنها به‌دلیل وجود افکار مخالف در ذهن نمی‌توان باغی دانست. این نوع از مخالفان را می‌توان مخالفان فکری نام نهاد و حاکم واجد شرایط حق ندارد که فقط به‌سبب مخالفت فکری آنان را در زمره باغیان و مشمول مجازات قرار دهد. از روایات نیز این نکته را می‌توان برداشت کرد؛ در روایتی در تعریف باغی آمده‌است: باغی کسی است که بر امام خروج می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۶، ص. ۲۶۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۱۴). همان‌طور که خواهیم گفت خروج عملی جوارحی است. فقیهان باغی را کسی می‌دانند که بر رهبر عادل خروج کند (طوسی، ۱۴۱۶ق، ج. ۵، ص. ۳۵؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸ق، ص. ۲۰۵؛ محقق حلی،

۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۲۵۶؛ همان، ۱۴۱۲ق، ج. ۲، ص. ۱۱؛ علامه حلّی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲، ص. ۲۲۹؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج. ۱، ص. ۵۰۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج. ۳، ص. ۴۸۳؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج. ۲۱، ص. ۳۲۴). روشن است که خروج به عنوان عملی جوارحی به صرف تصمیم بدون تحقق عمل خارجی - هرچند با انجام مقدمات قریبه آن - صدق نمی‌کند.

گفتار و سیره عملی حضرت علی علیه السلام در برخورد با مخالفان سیاسی نیز دلالت بر این مطلب دارد؛ برای نمونه، طلحه و زبیر درخواست خروج از مدینه‌شان را، به بهانه انجام عمره، نزد حضرت علی علیه السلام بردند. امام به ایشان خبر داد که آنان انگیزه‌های جز فتنه و آشوب علیه حکومت آن حضرت ندارند و انجام عمره بهانه‌ای بیش نیست؛ با انکار طلحه و زبیر و تجدید بیعت و گرفتن پیمان اکید مبنی بر پرهیز از هرگونه اقدامی علیه آن حضرت، به آنان اجازه خروج از مدینه را داد. وقتی حضرت علیه السلام از انگیزه آنان نزد ابن عباس پرده برداشت و ابن عباس گفت: «چرا به آن‌ها اجازه خروج دادی و آنان را به بند نکشیدی و به زندان نفرستادی؟» امام در پاسخ فرمود: «ای فرزند عباس! آیا به من دستور می‌دهی قبل از نیکی و احسان، به ظلم و گناه اقدام کنم و براساس گمان و اتهام قبل از ارتکاب جرم مؤاخذه کنم. قسم به خدا از حکم به عدل و انصاف، عدول نخواهم کرد.» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۶۶؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۳، ج. ۱، ص. ۳۷۱؛ طبری، ۱۴۰۹ق، ج. ۵، ص. ۱۳۱) البته با انضمام این مقدمه بغی اصطلاحی نفی می‌شود، زیرا بغی اصطلاحی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های ظلم به شکل عقلی و نقلی منهی‌عنه است، چون امام عنوان ظلم را از این کار نفی کرده‌است.

گرچه برخی فقیهان به صراحت بیان کرده‌اند با کسی که بغی درونی دارد و آن را اظهار نمی‌کند یا فقط اظهارش جنبه زبانی دارد، قبل از شروع بغی نباید برخورد کرد (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۳۶۷). به نظر می‌رسد که این نفی، در شمار نفی حکم باشد نه نفی موضوع، مگر این که در این کلام بغی را به معنای لغوی و نه اصطلاحی آن بدانیم که بسیار بعید است.

## ۲-۲) شاخص دوم: فعالیتی در تضاد با نظام حکومتی نه خنثی

یکی از شاخص‌های بغی و مخالفت براندازانه فعالیتی است که بر ضد یک نظام سیاسی مشروع یا یک زمامدار واجد شرایط باشد نه این که فعالیتی خنثی و بی‌طرف به حساب آید؛ فعالیت یک شخص نسبت به شخص دیگر از چهار حالت بیرون نیست:

الف) فعالیتی است که اساساً هیچ ارتباطی به دیگری ندارد؛



ب) فعالیتی است که در مجموع (پس از کسر و انکسار) به ضرر دیگری باشد، اعم از این که کاملاً به ضرر اوست یا این که اگر فوایدی هم دارد فوایدش کمتر از ضررهایش است؛

ج) فعالیتی است که در مجموع به نفع دیگری است اعم از این که تماماً به نفع اوست یا ضررهای کمتری از فواید آن دارد؛

د) فعالیتی است که در مجموع هیچ‌یک از منافع و مضارش بر دیگری ترجیح ندارد؛ این حالت‌های اصلی است که به حصر عقلی بیرون از آن متصور نیست.

روشن است در صورتی که ضررهای فعالیتی نسبت به نظام سیاسی یا زمامدار بیش از فواید آن باشد، قابلیت آن را دارد که فعالیتی براندازانه به حساب آید. افزون بر دلالت عرفی، مفروض آیه<sup>۱</sup> بغی<sup>۱</sup> این است که دو گروه با هم در حال جنگ هستند، گام اول برقراری صلح میان این دو است؛ در صورت ادامه جنگ ظالمانه<sup>۱</sup> یکی از دو گروه، همه وظیفه دارند با این گروه باغی بجنگند. مفروض آیه به قرینه<sup>۱</sup> واژه «اقتتلوا» به معنای جنگ و درگیری طرفینی است (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج. ۹، ص. ۲۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۸، ج. ۲، ص. ۱۱۹۲). در این جا خداوند دستور می‌دهد با گروه ستمگر بجنگید، یعنی کسی که در حال جنگ با دیگری است (اعم از این که گروه باغی با گروهی از مسلمانان بجنگد یا با حکومت واجد شرایط، چون آیه مطلق است و اطلاق هر دو نوع باغی را شامل می‌شود). ولی کسی که در گروه جنگجو نیست و بر ضد حاکم و حکومت اقدامی نکرده از موضوع آیه خارج است. هر چند وی به دلیل سرپیچی از فرمان (فقاتلوا الّتی تبغی) مرتکب گناه کبیره شده است (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج. ۱، ص. ۲۵۶؛ سبزواری، ۱۴۱۶ق، ج. ۱۵، ص. ۲۰۱) ولی نمی‌توان وی را در زمره گروه باغیان قرار داد. افزون بر این برخورد با باغیان جنبه<sup>۱</sup> دفاعی دارد؛ شاهد آن، دستور آیه شریفه فوق و روایاتی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۵، ص. ۳۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۵، ص. ۷۵) که دستور می‌دهند با باغیان تا هنگام دست برداشتن از جنگ و بازگشتن به امر خدا بجنگید، یعنی بعد از آن دستور به جنگ نیست، همان‌طور که فقیهان هم گفته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج. ۸، ص. ۲۷؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج. ۳، ص. ۴۲۸). بدین معنا وقتی آنان جنگ - که اقدامی ضدحکومتی است - را متوقف کردند، دیگر باغی نیستند؛

پس کسی که هرگز فعالیت مضاد با حکومت نداشته‌است به طریق اولی باغی نخواهد بود. هم‌چنین با توجه به سیره حضرت امیر علیه السلام، تنها کسانی که علیه ایشان اقدام مسلحانه کرده بودند، باغی نامیده شدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج. ۳۴، ص. ۸۱) و کسانی را که اقدام مسلحانه‌ای نداشتند، نه باغی نامید نه به آن‌ها کاری داشت. برای نمونه، گروهی از صحابه نظیر عبدالله بن عمر، محمد بن مسلمه، حسان بن ثابت، سعد بن ابی‌وقاص، کعب بن مالک، عبدالله بن سلام و اسامه بن زید و ... (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج. ۳، ص. ۱۱۲۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج. ۴، ص. ۹) با آن حضرت بیعت نکردند؛ حضرت نه آنان را باغی نامید و نه آنان را مجازات کرد، بلکه در پاسخ کسانی که گفتند چرا حسان بن ثابت و کعب بن مالک و عبدالله بن سلام را فرا نمی‌خوانی؟ فرمود: به کسانی که به ما کاری ندارند کاری نداریم (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج. ۲، ص. ۴۴۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج. ۴، ص. ۹؛ ری‌شهری، ۱۴۲۵ق، ج. ۴، ص. ۶۰). در صورتی که اگر آنان به معنای اصطلاحی باغی بودند، باید با آن‌ها به اقتضای (فقاتلوا الّتی تبغی) می‌جنگید. حتی برخی از کسانی که با آن حضرت بیعت کرده بودند، با وجود عدم همراهی امام در جنگ علیه براندازان، امام آنان را برانداز نامید و مجازات نکرد و درباره آن‌ها فرمود «خذلوا الحق و لم یبصروا الباطل: حق را خوار ساختند و باطل را یاری نکردند.» (سیدرضی، ۱۳۹۵، ص. ۴۷۱) یا «قعدوا عن الحق و لم یبصروا الباطل: از یاری حق دست کشیدند و باطل را یاری نکردند.» (ابن‌کثیر قرشی، ۱۴۰۸ق، ج. ۷، ص. ۲۷۳) به‌طور مسلم کسانی که آن حضرت را در جنگ‌ها علیه شورشیان یاری نکردند، از اطاعت فرمان الهی و امام واجب‌الاطاعه سرپیچی کرده بودند و سرپیچی از اطاعت فرمان الهی و زمامدار واجب‌الاطاعه گناه و عقوبت اخروی دارد، ولی نمی‌توان وی را باغی خواند هم‌چون باغی‌ها با وی برخورد کرد؛ گرچه زمامدار می‌تواند مبنای جرم‌انگاری این‌چنینی را گناه کبیره‌ای قرار دهد که مشمول تعزیر گردد (خوئی، ۱۳۹۶، ج. ۱، ص. ۳۴۵) یا بر هر گناهی می‌توان اعمال تعزیر کرد (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج. ۱۳، ص. ۱۵۶؛ عوده، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۹۰؛ ضیائی‌فر، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۲۴۱-۲۴۵). هم‌چنین بر مبنای حق قانون‌گذاری موقت زمامدار واجد شرایط (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۱، ج. ۱، ص. ۵۶۷؛ مومن، ۱۴۲۸ق، ج. ۱، ص. ۳۱۷) می‌تواند مجازات دنیوی دیگری تعیین نماید. از حضرت امیر علیه السلام نقل شده‌است که من مکلفم با ناکثین، قاسطین و مارقین جنگ کنم (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ص. ۵۵، ۱۴۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص. ۷۲۶؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج. ۸، ص. ۲۱۳)، ولی قاعدین در زمره آنان نیامده‌است.





ص. ۲۶۵) که «علی» مفید معنای ضرر است؛ پس اگر عمل فردی به ضرر زمامدار نباشد، باغی نخواهد بود؛ هم‌چنین استنباط بسیاری از فقیهان تأییدی بر این گزاره است که آنان با دقت در تعریف باغی با استفاده از تعبیر «علی» (که مفید معنای ضرر است) گفته‌اند: باغی کسی است که بر امام عادل خروج کند (شیخ طوسی، ۱۴۱۶ق، ج. ۵، ص. ۳۳۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص. ۸۸؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۳۹۶؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج. ۱، ص. ۵۰۰؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج. ۳، ص. ۴۸۳) نه این‌که با استفاده از واژه «عن» باغی را کسی بنامند که از اطاعت امام عادل خارج شده‌است.

البته از نظر برخی، باغی مطلق کسی است که از اطاعت امام عادل خارج شود (صدر، ۱۴۰۲ق، ص. ۱۴۴؛ مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج. ۱، ص. ۶۳؛ نووی، بی‌تا، ج. ۷، ص. ۲۷۰). اما اگر کسی که کاری با حکومت ندارد و بر ضد آن هم اقدامی انجام نمی‌دهد، ادله‌ای نظیر آیه بغی و روایات شامل وی نخواهد شد، چون در موضوع آیه و روایات (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج. ۱۵، ص. ۸۳) اقدام خشونت‌بار فرض شده‌است. در صورت وجود ادعای شمولیت آیه بغی و روایات بر کسی که اقدامی علیه حاکم نمی‌کند، باید دلیل معتبری ارائه گردد. ممکن است سؤالی مطرح شود مبنی بر این‌که حضرت امیر چنین افرادی را مجازات نکرد، اعم از آن است که می‌توانست مجازات کند؛ ممکن است از برخی احادیث استفاده شود که حق مجازات وجود دارد، ولی حضرت امیر به مصالحی مجازات نکرده‌است، چرا که حضرت سکوت اصحاب جمل در برابر کشته‌شدن یک نفر را مجوزی برای قتل همه آنان بر شمرده‌است؛ هرچند در عمل چنین اقدامی را به‌جهت مصالحی انجام نداد. امام درباره اصحاب جمل فرمود: «لو لم یصیبوا من المسلمین إلا رجلاً واحداً معتمدین لقتله بلاجرم جره لعل لی قتل ذلک الجیش کله إذ حضروه فلم ینکروا و لم یدفعوا عنه بلسان و لا بید» (سیدرضی، ۱۳۸۷ق، ص. ۲۴۷). اگر اصحاب جمل بیش از یک فرد بی‌گناه را عامدانه نکشته بودند کشتن همه آنان جایز بود؛ چرا که نظاره‌گر ماجرا بودند و نهی‌ازمنکر نکردند و با گفتار و یا رفتار مانع این کار نشدند. لذا از این روایت استفاده می‌شود که حضرت امیر حق داشته ولی از آن استفاده نکرده‌است؛ به‌عبارتی از وجود حق برای ایشان می‌توان پی به باغی‌بودن آنان برد.

در پاسخ می‌توان گفت اولاً، محل سخن حضرت جایی است که آنان با کشتن فردی، بغی را محقق ساخته و به حکومت ضرر رسانده‌اند؛ هرچند لزوماً همگی در عمل قتل شرکت فیزیکی نداشته باشند، حضور در یک گروه و عدم واکنش علیه عملی که عرفاً مبرز

بغی است، شرکت در اقدام آنان می‌باشد، مگر این که واکنش منفی نشان دهند. همان طور که در کلام حضرت هم آمده است (إذ حضروه فلم ينكروا و لم يدفعا عنه بلسان و لا بید) این احتمال از بحث خارج می‌شود.

ثانیا، این دلیل هم اعم از مدعاست، این که حضرت می‌فرماید جایز است، آیا به‌عنوان مقابله با بغی جایز است یا به‌عنوان دیگری، مشخص نیست. پس ثابت نمی‌شود به‌عنوان مقابله با بغی جایز است، لذا با ادعای ما ناسازگار نیست.

برخی هم مطلق عدم اطاعت از معصوم را درحالی بغی می‌دانند که دلیل معتبری ارائه نکرده‌اند (سند، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۶۶). به‌نظر می‌رسد که این افراد میان معنای لغوی و اصطلاحی بغی تفکیکی قائل نشده‌اند، چون عدم اطاعت از معصوم، بغی به‌معنای لغوی است و دلیل معتبری وجود ندارد که بغی به‌معنای اصطلاحی باشد و مشمول احکام آن گردد.

### ۲-۳) شاخص سوم: فعالیت خشونت‌بار

یکی از شاخص‌های بغی اقدام جوارحی همراه با خشونت است. برای نمونه، اگر گروهی با روش‌های مسالمت‌آمیزی چون تظاهرات خیابانی یا اعتصابات مسالمت‌جویانه با نظام یا زمامداری مخالفت ورزد، نمی‌توان مخالفت آنان را بغی به‌حساب آورد. (گرچه ممکن است به‌حسب قانون در زمانی مجاز و در زمانی جرم تلقی شود، ولی در شمار بغی نخواهد بود). وجه آن به برخورد جنگی دو طایفه با یکدیگر در آیه ۹ سوره حجرات اشاره دارد که از واژه «اقتتلوا» استفاده شده است و «اقتتال» به‌معنای برخورد جنگی است (فیض کاشانی، ۱۳۷۴، ج. ۵، ص. ۵۰؛ علامه طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج. ۱۸، ص. ۳۱۴). از این رو مخالفت‌های غیرجنگی و غیرخشونت‌بار از موضوع آیه و روایات خارج هستند و بغی به‌معنای اصطلاحی نخواهد بود (کاشف‌النظاء، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۳۶۸) و نمی‌توان مجازات بغی را به‌عنوان حکم شرعی برای آن در نظر گرفت. هرچند زمامدار واجد شرایط می‌تواند مجازات قانونی دیگری برای آن لحاظ کند، همان طور که براساس مبانی گوناگون به آن اشاره گردید.

ممکن است برخی به تعبیر «خروج» و اطلاق آن (مسالمت‌آمیز یا جنگی) در روایات استناد کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۶، ص. ۲۶۵؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۵، ص. ۸۱). در پاسخ باید اذعان داشت که این اطلاق به خروج جنگی منصرف است و چون روایات در مقام تفسیر آیه هستند (نه موضوع دیگری) ادعای اطلاق برای آن وجهی ندارد.

مؤید اشتراط قید خشونت‌بار، برخی روایات مانند «من حمل علينا السلاح فليس





منا» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج. ۱، ص. ۱۴۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج. ۱۱، ص. ۱۳۴) است که مخالفت را با قید سلاح مقید کرده‌است، هم‌چنین مؤید اشتراط قید خشونت‌بار، برداشت گروهی از فقیهان است که با تعبیر نفی موضوع (نه نفی حکم) گفته‌اند اینان اهل باغی نیستند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج. ۷، ص. ۲۶۴) و یا باغی نیستند (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲، ص. ۲۳۰). برخی هم گفته‌اند باید با تجهیز سپاه و جنگ باشد (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج. ۲، ص. ۱۵؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج. ۲، ص. ۲۹۹؛ کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج. ۴، ص. ۳۶۸). عده‌ای نیز خروج بر امام عادل را با عبارت «بالسیف و نحوه» مقید کرده‌اند، یعنی خروجی را می‌توان باغی گفت که با ابزارهای جنگی‌ای مانند شمشیر باشد (نجفی، ۱۳۶۲، ج. ۲۱، ص. ۳۲۴؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۳، ص. ۱۰۷؛ غروی و جزیری، ۱۴۱۹ق، ج. ۵، ص. ۶۲۳). برخی از فقیهان اهل سنت به‌صراحت گفته‌اند: بدون جنگ کسی باغی نیست (نووی، بی‌تا، ج. ۱۹، ص. ۲۰۲؛ دردیر، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۲۹۸).

#### ۴-۲) شاخص چهارم: استمرار جنگ

آیه ۹ سوره حجرات (چنان‌که اشاره شد) به جنگ با باغیان دستور می‌دهد تا هنگامی که آنان از جنگ دست بکشند. از این آیه استفاده می‌شود تا زمانی که آنان به اقتتال و خشونت مشغولند، حکم جنگ با آنان استمرار دارد. هنگامی که از خشونت دست کشیدند، این حکم نیز جاری نخواهد ماند. برخی بر این نظرند که در این شاخص اختلافی ندیده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱۵، ص. ۱۸۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۸ق، ج. ۸، ص. ۲۷)، پس نتیجه می‌گیریم که در این موارد، باغی نیست، چون موضوع به‌منزله علت است و حکم تابع موضوع خواهد بود. (سیادت‌ی سبزواری، ۱۴۲۲ق، ج. ۱، ص. ۶۹۵؛ جزائری، ۱۳۸۵ق، ج. ۲، ص. ۱۰۵؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ج. ۲، ص. ۱۹۵). در روایات نیز وجوب جنگ با گروه باغی تا زمان بازگشت آنان ادامه دارد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج. ۱۵، ص. ۸۳)، بنابراین با دست کشیدن از جنگ، وجوب آن برداشته می‌شود؛ چنان‌که در روایات آمده‌است، امیرالمومنین علیه السلام در جنگ جمل به هرکسی که سلاح بر زمین گذاشت یا به داخل خانه‌اش رفت. امان داد و با او جنگ نکرد (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج. ۱۵، ص. ۷۵).

در تبیین فقهی - اصولی این شاخص می‌توان گفت، مشتق حقیقت در متلبس به مبدأ است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۵). هنگامی که افراد واقعا از جنگ و خشونت دست بکشند، دیگر به آنان باغی اطلاق نمی‌شود، بلکه درباره آنان می‌گویند باغی بوده‌اند و چنان‌چه درصدد تجدید قوا و امثال آن باشند، در این صورت باغی بر آنان صدق می‌کند.

البته گاهی حکم مشتق به صرف تلبس به مبدأ - هرچند در گذشته - می‌آید، مانند آیه «لاینال عهدی الظالمین» (بقره، ۱۲۴). که این موارد، به قرینه معتبر نیاز دارد، ولی در صورت نبود قرینه، مقتضای حقیقت بودن مشتق در تلبس به مبدأ، عدم صدق است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۴۹).

هم‌چنین از منظر فقیهان، هدف از جنگ برطرف کردن شرّ آنان است (علامه حلّی، ۱۴۱۲ق، ج. ۹، ص. ۱۷۷؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج. ۱، ص. ۳۵۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ص. ۴۵۶؛ منتظری، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۸۲؛ ابن‌قدمه، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۵۴)، لذا با از بین رفتن فرماندهی و سازماندهی براندازان و تشتت و هزیمت میان آنان، نباید دست به اقدام جنگی علیه آنها زد. همان‌طور که در روایات معتبر آمده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج. ۱۵، صص. ۷۴-۷۳؛ بروجردی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱۳، ص. ۹۴؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص. ۳۱۵) و فقیهان هم به آن فتوا داده‌اند (ابن‌براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج. ۱، ص. ۲۹۸؛ ابن‌زهره حلبی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۰۱؛ علامه حلّی، ۱۴۱۳ق، ج. ۱، ص. ۵۲۲). اگر اقدام‌کنندگان به بغی سازماندهی ندارند، تنها تجمع آنان باید متلاشی شود (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص. ۸۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج. ۲، ص. ۴۰۸؛ احمدی میانجی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۴۵). هم‌چنین به دلیل تبعیت حکم از موضوع می‌توان گفت، وقتی حکم جنگ نیست، موضوع آن - بغی - هم نخواهد بود (کاظمی خراسانی، ۱۳۷۶، ج. ۳، ص. ۳۵۲؛ حلّی، ۱۴۳۲ق، ج. ۷، ص. ۱۳۶) مگر دلیل معتبری بر استثنای حکمی باشد، که چنین دلیلی وجود ندارد.

#### ۵-۲) شاخص پنجم: انجام عمل همراه سوءنیت

سوءنیت براندازانه به عنوان عنصر روانی در تحقق مخالفت براندازانه ضروری است. منظور از عنصر روانی یا معنوی آن است که مرتکب عملی را، که قانون‌گذار واجد شرایط جرم می‌شناسد، با «قصد مجرمانه» انجام دهد و به موجب این شاخص اولاً، شخص باید اهلیت ارتکاب عمل غیرقانونی و نامشروع (آزادی اراده و آگاهی) را داشته باشد؛ ثانیاً، قصد و نیت مجرمانه داشته باشد تا بتوان او را مسئول و عمل ارتكابی را واجد وصف جرم تلقی کرد.

سوءنیت بر دو قسم است: سوءنیت عام و سوءنیت خاص (آقابائی، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۱). سوءنیت عام عبارت است از قصد عمل مجرمانه نظیر آتش زدن جنگل. سوءنیت خاص عبارت است از قصد عمل مجرمانه به منظور دستیابی به هدفی خاص نظیر انفجار به هدف براندازی و یا تضعیف یک نظام حکومتی. بنابراین صرف ارتکاب فعل مادی خلاف، برای تحقق بغی و مخالفت براندازانه کافی نیست، بلکه احراز قصد ارتکاب عمل آن



هم با هدفی خاص (قصد براندازی و یا تضعیف) لازم است. فقیهان در متون فقهی به ضرورت وجود قصد سوء در تحقق مخالفت براندازانه اشاراتی داشته‌اند. از جمله در تعریف باغی آورده‌اند: «من خرج علی امام عادل» (محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج. ۱، ص. ۱۱۰؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴ق، ج. ۱، ص. ۵۷۲) یعنی عمل خروج با قصد ضدیت با حکومت واجد شرایط صورت گیرد.

لازم به توضیح است که عناوین بر دو قسمند: عناوین قصدی و عناوین قهری؛ عناوین قصدی برای افعالی به کار می‌رود که قصد فاعل در صدق آن عنوان شرط است، نظیر احرام (آملی، ۱۴۱۳ق، ج. ۱، ص. ۱۲۳)، اگر کسی لباس احرام را در منزلش بدون قصد احرام بپوشد، به وی محرم گفته نمی‌شود. عناوین قهری عناوینی است که قصد فعل در صدق عنوان معتبر نیست، نظیر شکستن لیوان (همان، ص. ۱۲۰؛ تبریزی، ۱۳۸۷، ج. ۲، ص. ۹۲) که بدون قصد، شکستن صدق می‌کند و به وی هم استناد داده می‌شود، هر چند که وی قصد شکستن لیوان را نداشته‌است. بدیهی است که بغی و براندازی از عناوین قصدی می‌باشد و تا قصد خاص وجود نداشته باشد بر آن بغی و براندازی صدق نمی‌کند. کسی که کارهای خشونت‌بار انجام می‌دهد باید قصد ضربه‌زدن مانند ساقط کردن یک نظام یا تضعیف آن را داشته باشد تا بر کارهای وی عنوان فعالیت براندازانه صدق نماید.

### نتیجه

از بررسی آیه ۹ سوره حجرات که می‌فرماید: «با باغیان تا هنگام دست برداشتن از جنگ و بازگشتن به امر خدا بجنگید» چنین به دست می‌آید که بغی هر نوع مخالفت با زمامدار یا نظام حکومتی نیست، بلکه بغی نوعی از مخالفت با شاخص‌های خاصی است که به تفصیل بیان گردید. بنابراین با وجود آن شاخص‌ها، بغی و حکم آن جاری می‌شود، در غیر این صورت مشمول بغی و حکم آن نخواهد بود. هر چند ممکن است قانون‌گذار واجد شرایط به عناوین دیگری برای آن، جعل حکم قانونی کند که چه بسا با آن حکم تفاوت چندانی نداشته باشد. سنت و کلام بسیاری از فقیهان هم نشان از معنای مضیق بغی دارد. به‌طور کلی شاخص‌های اصلی بغی را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد:

اولاً، به‌عنوان فعالیت جوارحی تا زمان عدم تحقق آنچه در ذهن و ضمیر افراد است، نمی‌توان آن را بغی و عملی براندازانه به حساب آورد؛

ثانیا، فعالیتی که در تضاد با نظام یا زمامدار است نه فعالیتی خنثی و بی‌ارتباط؛  
ثالثا، عملی خشونت‌بار و جنگی است و هرگونه فعالیت مسالمت‌آمیز را نمی‌توان بغی  
به حساب آورد؛  
رابعاً، خشونت‌ناهی ادامه‌دار است و برکسی که از بغی دست بردارد و یا در حال دست  
برداشتن از بغی باشد، باغی صدق نمی‌کند؛  
خامساً، فعالیتی است که با نیت سوء خاص (قصد براندازی و یا تضعیف) به انجام  
می‌رسد.

## منابع

قرآن کریم.

- احمدی میانجی، ع. (۱۴۱۱ق). *الاسیر فی الاسلام*. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- اردبیلی، ا. (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائده و البرهان*. (ج. ۱۳). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- آخوند خراسانی، م. ک. (۱۴۱۲ق). *کفاية الاصول*. (چاپ دوم). بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- آقابائی، ح. (۱۳۸۷). *بررسی فقهی حقوقی جرم براندازی*. (چاپ سوم). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- آملی، م. ت. (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البیع*. (ج. ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- ابن ابی الحدید، ع. (۱۳۷۸). *شرح نهج البلاغه*. (ج. ۱، ۴). بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن ابی جمهور، م. (۱۴۰۵ق). *عوالی اللثالی العزیزیه*. (ج. ۱). قم: دار سید الشهداء للنشر.
- ابن ادريس حلی، م. (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*. (ج. ۲؛ چاپ دوم). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن اعثم کوفی، ا. (۱۴۱۱ق). *الفتوح*. (ج. ۲). بیروت: دار الاضواء.
- ابن براج طرابلسی، ع. ع. (۱۴۰۶ق). *المهذب*. (ج. ۱). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن حمزه طوسی، م. (۱۴۰۸ق). *الوسيله الى نيل الفضيله*. قم: مكتبة آيت الله مرعشي نجفی.
- ابن خلدون، ع. (۱۴۰۸ق). *ديوان المتبدا والخبر*. (ج. ۲؛ چاپ دوم). بیروت: دار الفكر.
- ابن زهره حلبی، ح. (۱۴۱۷ق). *غنيه النزوع*. قم: مؤسسة الامام الصادق عليه السلام.
- ابن عبدالبر، ع. (۱۴۱۲ق). *الاستيعاب في معرفة الاصحاب*. (ج. ۳). بیروت: دار الجيل.
- ابن قدامه، ع. (بی تا). *المغنی*. (ج. ۱). بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن کنیر قرشی، ا. (۱۴۰۸ق). *البدایة و النهایة*. (ج. ۷). ع. شیرى (محقق). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن منظور انصاری، م. (۱۴۰۸ق). *لسان العرب*. (ج. ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بروجردی، ح. (۱۴۰۷ق). *جامع احادیث الشیعه*. (ج. ۱۳). قم: مدینة العلم.
- پورحسین، م. (۱۳۹۱). *بغی و تمرد*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- تبریزی، م. ج. (۱۳۸۷). *دروس فی مسائل علم الأصول*. (ج. ۲؛ چاپ دوم). قم: دار الصدیقة الشهیدة عليها السلام.



- ثقفی کوفی، ا. (۱۳۵۳). الغارات. (ج. ۱). تهران: انجمن آثار ملی.
- جزائری، م.ج. (۱۳۸۵ق). نتایج الأفكار فی الأصول (تقریرات درس خارج اصول آیت‌الله سید محمود حسینی شاهرودی). قم: آل مرتضی علیه السلام.
- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. (ج. ۲). تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حرّ عاملی، م. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. (ج. ۱۵). قم: موسسه آل البيت.
- حلی، م. (۱۴۲۴ق). معالم الدین فی فقه آل یاسین. (ج. ۱). قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
- دریدر، ا. (بی تا). الشرح الكبير. (ج. ۴). بی جا: دار احیاء الکتب العربیه.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن. (چاپ دوم). بی جا: دفتر نشر الکتب.
- روحانی، ص. (۱۴۱۲ق). فقه الصادق. (ج. ۱۳). قم: دار الکتب.
- ری شهری، م. (۱۴۲۵ق). موسوعة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام فی الکتب و السنة و التاریخ. (ج. ۴؛ چاپ دوم). قم: دار الحدیث.
- سبزواری، ع.ا. (۱۴۱۶ق). مهذب الأحکام. (ج. ۱۵؛ چاپ چهارم). قم: مکتب آیه‌الله العظمی السید السبزواری.
- سند، م. (۱۴۲۶ق). أسس النظام السیاسی عند الإمامیه. م.ح. الرضوی، م. اسکندری (محقق). قم: باقیات.
- سیادت‌ی سبزواری، م.ح. (۱۴۲۲ق). وسیلة الوصول الی حقائق الأصول (تقریرات درس خارج اصول آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی). (ج. ۱). قم: موسسه النشر الاسلامی.
- سیدرضی، م. (۱۳۸۷). نهج البلاغه. (مصحح: ص. صالح). قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- سیوری حلی، م. (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع. (ج. ۱). قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شهید اول، م. (۱۴۱۰ق). اللمعة الدمشقیه. بیروت: دار التراث العربی.
- شهید اول، م. (۱۴۱۴ق). غایة المراد. (ج. ۱). قم: موسسه النشر الاسلامی.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۱۹ق). فوائد القواعد. (محقق: ا. مطلبی). قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۱۰ق). الروضة البهیة. (ج. ۲). قم: انتشارات داوری.
- صدوق، م. (۱۳۶۲). الخصال. قم: موسسه النشر الاسلامی.





- صدوق، م. (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- طوسی، م. (۱۴۱۴ق). الامالی. قم: مؤسسة البعثة.
- طوسی، م. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة. (ج. ۷؛ چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضویة.
- طوسی، م. (۱۴۰۰ق). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. (چاپ دوم). بیروت: دار الكتاب العربی.
- طوسی، م. (۱۴۱۶ق). الخلاف. (ج. ۵). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- مفید، م. (۱۴۱۳ق). الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصرة. قم: دار المفید.
- صدر، ا. (۱۴۰۲ق). التعليق علی التشريع الجنائی الاسلامی فی المذاهب الخمسه مقارنا بالقانون الوضعی. (چاپ دوم). بی جا: مؤسسة البعثة.
- ضیائی فر، س. (۱۳۸۷). مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی. در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، ا. شفیعی سروسستانی (به کوشش). (ج. ۱). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طباطبائی، ع. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. (ج. ۸). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- طبرانی، م. (۱۴۰۵ق). المعجم الکبیر. (ج. ۸؛ چاپ دوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طبرسی، ف. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان. (ج. ۹). بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- طبری، م. (۱۴۰۹ق). تاریخ الامم و الملوک. (ج. ۵؛ چاپ پنجم). بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- علامه حلّی، ح. (۱۴۲۰ق). تحریر الاحکام الشرعیة. (ج. ۲). قم: مؤسسة الامام الصادق علیه السلام.
- علامه حلّی، ح. (۱۴۱۱ق). تبصرة المتعلمین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- علامه حلّی، ح. (۱۴۱۳ق). قواعد الاحکام. (ج. ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- علامه حلّی، ح. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. (ج. ۹). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- علامه طباطبائی، م. ح. (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج. ۱۸). قم: اسماعیلیان.
- عوده، ع. ق. (۱۴۰۲ق). التشريع الجنائی الاسلامی فی المذاهب الخمسه مقارنا بالقانون الوضعی. (چاپ دوم). بی جا: مؤسسه البعثة.
- غروی، م.؛ جزیری، ع. (۱۴۱۹ق). الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت علیهم السلام. (ج. ۵). بیروت: دار الثقلمین.
- فخرالمحققین، م. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد. (ج. ۱). قم: اسماعیلیان.

- فراهیدی، خ. (۱۴۱۰ق). کتاب العین. (ج. ۱؛ چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
- فیروزآبادی، م. (۱۴۱۶ق). القاموس المحيط. (ج. ۴). بیروت: مؤسسة الرسالة.
- فیض کاشانی، م. (۱۳۷۴). تفسیر الصافی. (ج. ۵؛ چاپ دوم). تهران: مکتبه الصدر.
- فیض کاشانی، م. (۱۳۷۸). الاصفی. (ج. ۲). قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- کاشف الغطاء، ج. (۱۴۲۲ق). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء. (ج. ۴). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاشف الغطاء، ع. (۱۳۸۱ق). النور الساطع فی الفقه النافع. (ج. ۱). نجف: مطبعة الآداب.
- کاظمی خراسانی، م. (۱۳۷۶). فوائد الأصول (تقریرات درس خارج اصول آیت الله نائینی). (ج. ۳). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- کرکی، ع. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد. (ج. ۳). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- کلینی، م. (۱۴۰۷ق). الکافی. (ج. ۶-۵؛ چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. (ج. ۳۲، ۳؛ چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق حلّی، ج. (۱۴۰۳ق). شرائع الاسلام. (ج. ۱؛ چاپ سوم). بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق حلّی، ج. (۱۴۱۸ق). المختصر النافع. (ج. ۱؛ چاپ ششم). قم: مؤسسه مطبوعات دینی.
- مرعشی شوشتری، م. (۱۴۲۷ق). دیدگاه‌های نو در حقوق کبیری/اسلام. (ج. ۱؛ چاپ دوم). تهران: نشر میزان.
- مشکینی، ع. (۱۳۷۹). مصطلحات الفقه. (چاپ دوم). قم: الهادی.
- منتظری، ح. (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدوّه الاسلامیة، چاپ اول، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة،
- منتظری، ح. (۱۴۱۷ق). نظام الحکم. قم: انتشارات سراپی.
- مومن، م. (۱۴۲۸ق). الولاية الالهية الاسلامیة. (ج. ۱). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- میرمحمد صادقی، ح. (۱۳۹۲). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. (چاپ بیست و چهارم). تهران: نشر میزان.
- نجفی، م. (۱۳۶۲ق). جواهر الکلام. (ج. ۲۱؛ چاپ سوم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- نوری، ح. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. (ج. ۱۱). قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- نووی، م. (بی تا). المجموع. (ج. ۷، ۱۹). بی جا: دار الفکر.

هاشمی شاهرودی، ع. (۱۴۱۹ق). *دراسات فی علم الأصول* (تقریرات درس خارج اصول آیت الله خوئی). (ج. ۲). قم: مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی.



سال بیست و چهارم / شماره نود و پنجم / پاییز ۱۴۰۰

## References

\* Holy Quran.

- Ahmadi Mianaji, A. (1411 AH). *Prisoner in Islam*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Akhund Khorasani, M. K. (1412 AH). *Kifayat al-usul* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic]
- al-Hurr al-Amili. (1414 AH). *Wasa'il al-Shia* (Vol. 15). Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic]
- al-Kulayni. (1407 AH). *Al-Kafi* (4<sup>th</sup> ed., Vols. 6-5). Tehran: Islamic Bookstore. [In Arabic]
- Allamah Al-Hilli. (1411 AH). *Note of the learners*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic]
- Allamah Al-Hilli. (1412 AH). *Montaha al-Matlab fi Tahqiq al-Mazhab* (Vol. 9). Mashhad: Islamic Research Complex. [In Arabic]
- Allamah Al-Hilli. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
- Allamah Al-Hilli. (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam al-Shari'a* (Vol. 2). Qom: Imam Al-Sadiq (AS) Institute. [In Arabic]
- Allamah Majlesi. (1403 AH). *Bihar al-Anwar* (2<sup>nd</sup> ed., Vols. 3, 32). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi.
- al-Raghib Al-Isfahani. (1404 AH). *Al-Mufradat* (2<sup>nd</sup> ed.). n.p.: Book Publishing Office. [In Arabic]
- al-Shahid al-Awwal. (1410 AH). *Al-Lum'a al-Dimashqiyya*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- al-Shahid al-Awwal. (1414 AH). *Ghayat al-murad* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Al-Shahid al-Thani. (1410 AH). *Al-Rawda al-bahiyya fi sharh al-lum'a al-dimashqiyya* (Vol. 2). Qom: Davari Publications. [In Arabic]
- Al-Shahid al-Thani. (1419 AH). *Fawa'id al-qawā'id* (A. Matlabi, Ed.). Qom: Islamic Development Office Publishing Center. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Saduq. (1362 AP). *al-Khisal*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Saduq. (1403 AH). *Meanings of news*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Tusi. (1387 AH). *Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyya* (3<sup>rd</sup> ed., Vol. 7). Tehran: Mortazavi Library. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Tusi. (1400 AH). *Al-Nihayah* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
- al-Shaykh al-Tusi. (1414 AH). *Al-Amali*. Qom: Al-Ba'ath Institute.





- [In Arabic]  
al-Shaykh al-Tusi. (1416 AH). *al-Khilāf* (Vol. 5). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Amuli, M. T. (1413 AH). *al-Makasib wa-al-Bay'* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
- Aqababaei, H. (1387 AP). *Jurisprudential study of subversive crime* (3<sup>rd</sup> ed.). Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought. [In Arabic]
- Ardabili, A. (1403 AH). *Majma al-Fayeda wa al-Borhan* (Vol. 13). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Boroujerdi, H. (1407 AH). *Comprehensive Shiite hadiths* (Vol. 13). Qom: City of Knowledge. [In Arabic]
- Dardir, A. (n.d.). *Al-Sharh al-Kabir* (Vol. 4). N.p.: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Fakhr-ul-Muhaqiqin, M. (1387 AH). *Clarify the benefits* (Vol. 1). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]
- Farahidi, Kh. (1410 AH). *Kitab al-A'yn* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 1). Qom: Hijrat. [In Arabic]
- Fayz Kashani, M. M. (1374 AP). *Tafsir al-Safi* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 5). Tehran: Sadr School. [In Arabic]
- Fayz Kashani, M. M. (1378 AP). *Asfi* (Vol. 2). Qom: Publishing Center for the Islamic Media Library. [In Arabic]
- Firoozabadi, M. (1416 AH). *Qamus al-Muhit* (Vol. 4). Beirut: Al-Risalah Institute. [In Arabic]
- Gharavi, M., & Jaziri, A. (1419 AH). *Jurisprudence on the four religions and the religion of the Ahl al-Bayt (AS)* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Thaqalin. [In Arabic]
- Hashemi Shahroudi, A. (1419 AH). *Studies in the science of principles (lectures outside the principles of Ayatollah Khomeini)* (Vol. 2). Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence. [In Arabic]
- Hilli, M. (1424 AH). *Ma'alem al-Din fi Fiqh of Aal-Yasin* (Vol. 1). Qom: Imam Al-Sadiq Institute (AS). [In Arabic]
- Ibn 'Abd al-Barr. (1412 AH). *Al-Isti'ab* (Vol. 3). Beirut: Dar Al-Jail. [In Arabic]
- Ibn Abi Al-Hadid, A. (1378). *Sharh-e Nahj al-Balagha* (Vols. 1, 4). n.p.: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Abi Jumhur. (1405 AH). *'Awali l-la'ali al-'aziziyya fi l-ahadith al-diniyya* (Vol. 1). Qom: Dar Seyyed Al-Shohada. [In Arabic]
- Ibn A'tham al-Kufi. (1411 AH). *al-Fotouh* (Vol. 2). Beirut: Dar Al-Azwa.

[In Arabic]

Ibn Baraj Terablosi, A. (1406). *Al-Muhazab* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]

ibn Hamza al-Tusi, M. (1408 AH). *The means to the attainment of virtue*. Qom: School of Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic]

Ibn Idris Hilli, M. (1410 AH). *Al-Sara'ir Al-Hawi li-Tahrir al-Fatawi* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]

ibn Kathir al-Qurashi. (1408 AH). *Al-Bidayah wa al-Nihaya* (A. Shiri, Ed., Vol. 7). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

Ibn Khaldun. (1408 AH). *Diwan al-Mobtada wa al-Khabar* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]

Ibn Manzur Ansari. (1408 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

Ibn Qudāmah. (n.d.). *al-Muqni'* (Vol. 1). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]

Ibn Zohra Halabi, H. (1417 AH). *Rich propensity*. Qom: Imam Al-Sadiq (AS) Institute. [In Arabic]

Jafari Langroudi, M. J. (1378 AP). *Extensive in Law Terminology* (Vol. 2). Tehran: Ganj-e-Danesh Library. [In Arabic]

Jazayeri, M. J. (1385 AH). *The results of thoughts in the principles* (lectures outside the principles of Ayatollah Seyyed Mahmoud Hosseini Shahroudi). Qom: Al-Murtada (AS). [In Arabic]

Karaki, A. (1414 AH). *Comprehensive goals* (Vol. 3). Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic]

Kashif al-Ghita', A. (1381 AH). *Al-Nur al-sati' fi l-fiqh al-nafi'* (Vol. 1). Najaf: Printing House. [In Arabic]

Kashif al-Ghita', J. (1422 AH). *Kashf al-ghita' an mubhamat al-shari'at al-gharra* (Vol. 4). Qom: Publications of the Islamic Development Office. [In Arabic]

Kazemi Khorasani, M. A. (1376 AP). *Benefits of principles* (lectures outside the principles of Ayatollah Naini) (Vol. 3). Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]

Mar'ashi Shoushtari, M. H. (1427 AH). *New Perspectives on Islamic Criminal Law* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 1). Tehran: Mizan. [In Arabic]

Meshkini, A. (1379 AP). *Jurisprudence terms* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Al-Hadi. [In Arabic]

MirMohammad Sadeqi, H. (1392 AP). *Crimes against public safety and comfort* (24<sup>th</sup> ed.). Tehran: Mizan. [In Arabic]

Mohaghgh Hilli, J. (1403 AH). *Shari'a of Islam* (3<sup>rd</sup> ed., Vol. 1). Beirut:





- Al-Wafa Institute. [In Arabic]
- Mohaghigh Hilli, J. (1418 AH). *Mokhtasar al-Manafi'* (6<sup>th</sup> ed., Vol. 1). Qom: Religious Press Institute. [In Arabic]
- Momen, M. (1428 AH). *Islamic divine authority* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
- Montazeri, H. A. (1409 AH). *Studies in the jurisprudence and jurisprudence of the Islamic state* (1<sup>st</sup> ed.) Qom: The World Center for Islamic Studies. [In Arabic]
- Montazeri, H. A. (1417 AH). *System of Judgment*. Qom: Sarai Publications. [In Arabic]
- Najafi, M. H. (1362 AH). *Jawahir al-kalam fi sharh shara'i' al-islam* (3<sup>rd</sup> ed., Vol. 21). Tehran: Islamic Bookstore. [In Arabic]
- Nouri, H. (1408 AH). *Mustadrak al-wasā'il* (Vol. 11). Qom: Aal al-Bayt Foundation. [In Arabic]
- Novi, M. (N.d.). *Al-Majmou'* (Vol. 7, 19). n.p: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Odeh, A. Q. (1402 AH). *Islamic criminal legislation in the five religions is compared to the legal situation* (2<sup>nd</sup> ed.). n.p.: Al-Ba'ath Institute. [In Arabic]
- Pourhossein, M. (1391 AP). *Fornication and rebellion*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Reyshahri, M. (1425 AH). *Encyclopedia of Imam Ali Ibn Abi Talib (AS)* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 4). Qom: Dar Al-Hadith. [In Persian]
- Rohani, p. (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq* (Vol. 13). Qom: Dar Al-Kitab. [In Arabic]
- Sabzevari, A. A. (1416 AH). *The court of rulings* (4<sup>th</sup> ed., Vol. 15). Qom: The school of the great Ayatollah Sayyid al-Sabzwari.
- Sadr, A. (1402 AH). *Suspension on Islamic criminal legislation in the five religions compares with the legal status* (2<sup>nd</sup> ed.). n.p.: Al-Be'tha Institute. [In Arabic]
- Saghafi Kufi, A. (1353 AP). *al-Gharat* (Vol. 1). Tehran: National Works Association. [In Arabic]
- Sanad, M. (1426 AH). *The basis of the political system in the Imamate* (M. H. Razavi, & M. Eskandari, Eds.). Qom: Baqiyat.
- Shaykh al-Mufid. (1413 AH). *al-Jamal wa 'n-Nusra*. Qom: Dar Al-Mufid. [In Arabic]
- Shaykh Tabarsi. (1415 AH). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an* (Vol. 9). Beirut: Scientific Institute. [In Arabic]
- Sivari Hilli, M. (1404 AH). *Al-tanqih al-Rai'a* (Vol. 1). Qom: School of Ayatollah Marashi Najafi. [In Arabic]
- Siyadati Sabzevari, M. H. (1422 AH). *The means of access to the truths of*

- the principles* (lectures outside the principles of Ayatollah Seyyed Abul Hassan Isfahani) (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute.
- Tabarani, M. (1405 AH). *Al-Mu'jam al-Kabir* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 8). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Tabari, M. (1409 AH). *Tarikh Tabari* (Vol. 5; Fifth Edition). Beirut: Scientific Institute. [In Arabic]
- Tabatabaei, A. (1418 AH). *Riyadh Matters*. (Vol. 8). Qom: Islamic Publishing Foundation. [In Arabic]
- Tabatabaei, S. M. H. (1393 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vol. 18). Qom: Ismailis. [In Arabic]
- Tabrizi, M. J. (1387 AP). *Lessons in the science of principles* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 2). Qom: Dar al-Sadiqah al-Shuhada. [In Arabic]
- Ziaefar, S. (1387 AP). The principles of the Islamic system in the field of preventing bad hijab. *Hijab, Responsibilities and Powers of the Islamic State* (A. Shafiee Sarvestani, Ed., Vol. 1). Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Arabic]

